



شماره حقوق

دوفصلنامه

دوره ۴ - شماره ۸ - بهار و تابستان ۱۴۰۰

- ابعاد فقهی و جرم شناختی شرط بندی در قضای مجازی
ابوالفتح خالقی، سیمین فرخی نیا
- بررسی انتقادی رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری راجع به آثار حقوقی جدایی
مجمع الجزایر جاگوس از موربیس در سال ۱۹۶۵
موسی عاکفی قاضیانی، محمد عاکفی قاضیانی
- واکاوی حقوقی تطبیقی نهاد وثیقه در پرتو قوانین ایران و انگلیس
حسین رحیمی خجسته، مرضیه فتاحی برناچی
- رویکردی تطبیقی بر آثار ادغام شرکت‌های تجاری
افشین مجاهد
- تبیین ابعاد عدالت و اخلاق از منظر اصول چهارچوبی حقوق بین الملل اسلامی
نوروز کارگری، سجاد طبیبی
- جایگاه جنایات جنسی در محاکم کیفری بین‌المللی
عباس پورهاشمی، سحر چوبین
- پاندمی کووید ۱۹ در پرتو حقوق همبستگی
سیدبهراد میرفخرایی
- آثار و جهات تجدیدنظرخواهی (پژوهش‌خواهی) از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و فرانسه
سیدجعفر هاشمی باجگانی، افشین مجاهد
- سرمایه گذاری خارجی در حقوق موضوعه ایران و موانع پیش روی آن
محمدرضا بوربور
- شرط ضمان مطلق مستأجر در نگهداری از عین مستاجر در فقه امامیه و حقوق مدنی ایران
فیروز احمدی، علی قائدرحمتی
- هشدار برای دانه درشت‌ها: مروری بر مهمترین نقش‌ها و رهاوردهای حقوق بین الملل
کیفری در نظم حقوقی بین المللی
محسن قدیر، موسی گرمی
- مطالعه تطبیقی آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی
محسن جعفری، فاطمه اسدی
- تعهد حسن‌نیت در قراردادهای حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، ابوالفضل سلیمیان
- رویکردی تطبیقی بر قرارداد ارفاقی در حقوق ایران، انگلیس و فرانسه
حسن رحیم زاده مبدی، افشین مجاهد
- آثار نفقه زوجه در حقوق ایران و فرانسه
مصطفی افضل‌گروه
- مطالعه تطبیقی عدم نفوذ با بطلان نسبی در حقوق ایران و فرانسه
عباس کریمی، غلامرضا ایزدینا
- نقد و ارزیابی ضررهای فردی، اجتماعی و قضائی جرم انگاری در نظام کیفری ایران
رستم علی اکبری، امیر فرج بخش



A Comparative Study of the Crime of Embezzlement in Iranian and British Law with a Look at International Documents

مطالعه تطبیقی آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی

Mohsen Jafari
Master of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran (Corresponding Author)

Fateme Asadi
Master of Public Law, Faculty of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

محسن جعفری
کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران
(نویسنده مسئول)
mohsen.jafari2020@yahoo.com
http://orcid.org/0000-0001-8495-4423

فاطمه اسدی
کارشناس ارشد حقوق عمومی، دانشکده حقوق، دانشگاه شهیدبهشتی، تهران، ایران
fateme.asadi1367@yahoo.com
http://orcid.org/0000-0002-2544-1676

Abstract

Corruption at the highest levels of society, the most important of which is embezzlement, has spread with the development of societies and is hurting people and governments. Such phenomena are important in Iran, because it is an Islamic State, and these acts endanger the freedom, political development and legalism, and ultimately the legitimacy of the system. Despite the intensification of the punishment for the perpetrators of the crime of embezzlement, its perpetration continues on a large scale. In this study, we examine the objective effects of the crime of embezzlement in the law of Iran and the United Kingdom by looking at international documents. In Iranian law, the betrayal of government officials and employees concerning the property entrusted to them on the occasion of duty is considered as embezzlement and the perpetrator deserves a "ta'zir" punishment. Even the taking of property of non-governmental joint-stock companies, parties, unions, private banks, and cooperatives by their employees for their own benefit or the benefit of others can be subject to the crime of embezzlement under certain conditions. Under English law, the crime of embezzlement is a form of theft, if a property is first deposited and seized by people who are considered trustworthy, such as employees, and then those people change it in their favor or ownership. "Stolen", which is a kind of emphasis on the crime of embezzlement. The international community is also working to combat this crime at the international level. Hence the ratification of UN conventions, including Merida, the American Anti-Corruption Convention, and the African Anti-Corruption Protocol. These conventions, through a comprehensive definition of embezzlement, and the expansion of the scope of perpetrators and properties subjected to this crime, seek to effectively combat this crime by anticipating the criminalization of preliminary acts and the concealment and maintenance of the embezzled property, and the adoption of mechanisms for international cooperation.

Keywords: Embezzlement, embezzler, corruption, public property, government employee.

چکیده

فسادهای مالی در سطوح بالای جامعه که از جمله مهم‌ترین آن‌ها اختلاس می‌باشد، با توسعه جوامع گسترش یافته و مردم و حکومت‌ها را می‌آزارد. این گونه پدیده‌ها در کشور ایران به دلیل اسلامی بودن پر اهمیت می‌باشد زیرا منجر به خطر افشادن آزادی، توسعه سیاسی و قانون‌گرایی و سرانجام مشروعیت نظام می‌گردد. علیرغم تشدید مجازات مرتکبین جرم اختلاس، ارتکاب آن در سطح وسیع همچنان ادامه دارد. در این پژوهش به بررسی این موضوع می‌پردازیم که آثار جرم اختلاس در حقوق ایران و انگلستان با نگاهی به اسناد بین‌المللی به چه شکل نمود عینی داشته است؟ در حقوق ایران، خیانت مأمورین و مستخدمین دولتی نسبت به اموالی که به مناسبت وظیفه به آن‌ها سپرده شده تحت عنوان اختلاس مورد بحث واقع می‌شود و مرتکب آن مستحق مجازات تعزیری می‌باشد. حتی تصاحب اموال شرکت‌های سهامی غیردولتی، احزاب، سندیکاها، بانک‌های خصوصی و شرکت‌های تعاونی توسط کارمندان آن‌ها به نفع خود یا دیگری با وجود برخی شرایط می‌تواند مشمول جرم اختلاس قرار گیرد. در حقوق انگلستان، جرم اختلاس شکلی از جرم سرقت بوده و اگر مال ابتدا به افرادی که به گونه‌ای امین محسوب می‌گردند، مانند کارمندان، سپرده شده و تحت تصرف آنان قرار گیرد و سپس این افراد آن را به نفع یا به مالکیت خود تغییر دهند مرتکب سرقت شده‌اند که به نوعی تأکید بر جرم اختلاس می‌باشد. همچنین جامعه بین‌المللی درصدد مبارزه با این بزه در سطح بین‌المللی برآمده است. از این رو کنوانسیون‌های سازمان ملل متحد از جمله مریدا، کنوانسیون آمریکایی ضدفساد و پروتکل آفریقایی ضدفساد به تصویب رسید. کنوانسیون‌های یاد شده با ارائه تعریفی موسع از اختلاس و توسعه مصادیق مرتکبان و اموال موضوع این جرم، در پیش‌بینی جرم انگاری اعمال مقدماتی و اخفاء و نگهداری اموال حاصل از اختلاس و اتخاذ سازگاری برای همکاری بین‌المللی، درصدد مقابله موثر با این بزه می‌باشند.

واژگان کلیدی: اختلاس، مختلس، فساد مالی، اموال عمومی، مستخدم دولت.

Received: 2021/07/06 - Review: 2021/07/11 - Accepted: 2021/08/17

دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۰۶ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۰/۰۷/۱۱ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

مقدمه

با پیدایش شکل‌های اولیه حکومت و دولت، فساد اداری نیز به شکل‌های مختلف ظهور و بروز یافته و مانع از دستیابی آن‌ها به اهداف بزرگی چون ایجاد نظام اداری سالم، برقراری عدالت اجتماعی و محیطی سالم برای رشد فضایل اخلاقی شده است. بر این اساس، اختلاس اموال عمومی همزمان با تشکیل حکومت در جامعه مطرح بوده و قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارد و همواره تهدیدی علیه جامعه بشری قلمداد می‌گردد. در کشور ما نیز علیرغم تشدید مجازات مرتکبین جرم اختلاس، ارتکاب آن در سطح وسیعی همچنان ادامه دارد. اختلاس عبارت است از این که مستخدم دولت با سوءنیت اموال دولت یا اشخاصی را که به حکم وظیفه در اختیار وی قرار داشته به نفع خود یا دیگری تصاحب کند. بزه مذکور یکی از پدیده‌های مجرمانه رو به ازدیادی است که آثار نامطلوب آن بر آسایش عمومی و همچنین اموال تأثیرگذار است. اموال عمومی و دولتی و یا متعلق به اشخاص که با توجه به شخصیت حقوقی دولت در اختیار آن می‌باشد، در اثر ارتکاب این جرم مورد تعدی قرار می‌گیرد. اختلاس دارای دو جنبه است؛ جنبه جرایم علیه اموال به گونه‌ای که در این جرم یکی از کارکنان دولت اموال، نقدینه، حوالجات، اسناد یا سایر اموال را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به نفع خود یا دیگری تصاحب می‌نماید و از این حیث حرمت اموال شکسته شده و از ثبات و ایمنی آن کاسته می‌شود. جنبه دیگر آن جرایم علیه آسایش عمومی است به گونه‌ای که مستخدم دولت با برداشت و تصاحب اموال دولت یا اشخاص به نفع خود یا دیگری موجب بی‌اعتباری دستگاه دولتی می‌شود و باعث سلب آسایش و اعتماد مردم از دستگاه دولتی می‌گردد. اما در قانون فعلی ما جرم اختلاس در بخش تعزیرات و در مبحث تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت آمده است (اسماعیلی، ۱۳۹۵، ۹).

اختلاس از جمله جرایمی است که با روش‌های انفرادی و سازمان یافته، هرچندگاهی در سازمان‌ها و نهادهای دولتی اعم از بانک‌ها و غیر آن رخ می‌دهد، لکن وجود انحصارات دولتی، مقررات شدید و بی‌حاصل، دستگاه‌های پریپیچ و خم دولتی، مصون ماندن و مجازات نشدن مسئولان ذی‌نفوذ و خلافکار، فقدان رسانه‌های خبری مسئول و آزاد، جملگی به عنوان عوامل ایجاد اختلاس شناخته شده است. این جرم عبارت است از اقدام مستخدمان و کارمندان مذکور در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ به برداشت و تصاحب مالی که برحسب شغل و وظیفه اداری به آنان سپرده شده است اعم از آن که به نفع خود یا دیگری باشد. جرم اختلاس در چندین حالت متفاوت پیش بینی شده است که هر یک از این حالات و اقسام دارای

شرایط و مجازات خاصی هستند (مهربانی، ۱۳۹۴، ۱۱). اختلاس از جمله جرایمی است که برای تحقق آن انجام فعل مثبت ضروری است. این فعل مثبت عبارت است از انجام اقداماتی به منظور برداشت و تصاحب مال که ممکن است به نفع خود شخص مرتکب و یا به نفع دیگری انجام شود، مثل این که کارمند بانک مقداری از وجوه تحویلی را برای مصارف شخصی خود از قبیل خرید خودرو و منزل هزینه کند یا این که وجوه مذکور را در اختیار یکی از دوستان خود قرار دهد. در حقوق انگلستان اگرچه جرم اختلاس به عنوان یک جرم خاص مورد جرم انگاری قرار نگرفته ولی با توجه به این که حتی اگر شخص مرتکب مالی را که در تصرف دارد، بدون این که آن را سرقت نماید و متعاقباً حق مالکانه در آن را برای خود فرض نماید، مرتکب سرقت شده که به نوعی تأکید بر جرم اختلاس می‌باشد. از سوی دیگر با توجه به تلاش‌های صورت گرفته در سطح بین‌المللی در مبارزه با فساد مالی و تصویب اسناد بین‌المللی (منطقه ای و فرامنطقه ای)، اهمیت مبارزه با جرم اختلاس را ثابت و خطر وجود آن برای تمامی کشورها را گوشزد و بررسی اختلاس در حقوق کیفری ایران و میزان انطباق آن با کنوانسیون مریدا و کنوانسیون آمریکایی ضد فساد و پروتکل آفریقایی ضد فساد را توجیه می‌نماید.

۱- تاریخچه جرم اختلاس در حقوق ایران، انگلستان و اسناد بین‌المللی

سرقت اموال عمومی همزمان با تشکیل حکومت در جامعه مطرح بوده، یعنی از زمان پیدایش حکومت، دولت و برپایی تشکیلات اداری و نهادهای عمومی سوءاستفاده از اختیارات و فساد مالی نیز پیدا شده که همواره تهدید جدی برای جامعه و عامه مردم بوده است. جرایمی نظیر اختلاس، ارتشاء و جعل جرایم جدیدی نیستند، بلکه قدمتی به اندازه خود دولت‌ها دارند. از زمان‌های دور سرقت اموال متعلق به دولت عنوان خاص در نظر مردم و قوانین داشته و همه قوانین گذشته تجاوز بر اموال را به عنوان سرقت در نظر گرفته‌اند، چه این اموال متعلق به عموم مردم باشد یا این که اختصاص به برخی از افراد داشته باشد. فساد مالی دولت‌ها و حکومت‌ها در زمره اندوه‌بارترین فرازهای مطالعات مربوط به تاریخ تحولات سیاسی اجتماعی بوده و متأسفانه حجم زیادی از رویدادهای مربوط به تاریخ معاصر ایران با زمینه‌ها، بسترها، لایه‌ها و نمایه‌های شرم‌آوری از انواع مفاسد مالی دولتی و گروهی در آمیخته است. مفهوم جرم اختلاس دربرگیرنده نوعی از فساد مالی است که مربوط به اموال عمومی می‌باشد. فساد مالی در دولت‌ها و حکومت‌ها در تمدن‌های باستانی نیز وجود داشته است. بر اساس آن چه که از مطالعات تاریخی برمی‌آید اکثر حکومت‌ها حتی حکومت‌های دارای نظام استبدادی نسبت به موضوع فساد کارگزاران خود حساسیت به خرج داده‌اند.

به طوری که نوعی بازرسی و نظارت آشکار و پنهان در دوران مادها، هخامنشیان، ساسانیان، امویان، عباسیان، طاهریان، مغولان، صفویه، قاجار و پهلوی وجود داشته است (همدمی خطبه سرا، ۱۳۸۹، ۶۲). در حقوق سومری اشاراتی به سرقت اموال عمومی شده است و بیشتر جرایم نقدی برای آن‌ها در نظر گرفته شده است. به عنوان مثال در گزارشی دوازده برابر برای ماهی‌هایی که امین می‌بایستی به کاخ تحویل می‌داده، اما ربوده است (نجفی ابرندآبادی و بادامچی، ۱۳۸۳، ۵۳).

شاید قدیمی‌ترین و مهم‌ترین قانونی که برای سرقت از خزانه دولتی و تصاحب اموال عمومی احکامی را در نظر گرفته و آن‌ها را به رشته تحریر درآورده است، قانون حمورابی باشد. قانون حمورابی، قانونی است که پادشاه حمورابی، مشهورترین پادشاه بابل، آن را تدوین نموده و از جمله قوانین بین‌النهرینی است که تاریخ آن در حدود ۱۷۵۰ سال پیش از میلاد است. البته بسیاری از مورخان معتقدند که قوانین حمورابی بیشتر جنبه اقتباسی دارد. او قوانین را از ملل دیگر گرفته و به صورت تازه‌ای به مردم زمان خود عرضه کرده است. در هر صورت اولین قانونی که متعرض بحث سرقت از اموال دولتی شده است، قانون حمورابی می‌باشد. قانون حمورابی احکام قضاء و وظایف عمومی را به رشته تحریر درآورده، مجازات کسانی را که مستخدم دولت می‌باشند و مرتکب جرم رشوه خواری و اختلاس اموال عمومی می‌شوند، بیان کرده است. شاید واژه اختلاس دقیقاً همان مفهومی که در جوامع امروز مطرح است، در گذشته به کار نمی‌رفت، ولی وجود اموال عمومی مانند بیت المال مسلمین، غنایم جنگی، انفال و ضرورت حفظ امانت در این موارد همیشه مطرح بوده است.

یقیناً جرم انگاری جدیدی از عملی که ما امروز به نام اختلاس می‌شناسیم، پس از انقلاب اسلامی از سوی قانونگذار انقلابی امری ضروری و بدیهی به شمار می‌رفت، چه آن که اعتقاد به ایجاد عدالت در جامعه و حذف بروکراسی از ادارات یکی از اهداف اولیه انقلاب اسلامی بود و رسیدن به این هدف را قانونگذار با تصویب قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ به منصف ظهور رساند. جرم اختلاس برای اولین بار در ماده ۱۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ پیش‌بینی شد. در سال ۱۳۰۶ قانون مجازات مختلسین

۱- ماده ۱۵۲- هر یک از تحصیلداران و معاونین آن‌ها و امانت‌داران و محاسبین امانت صندوق دولتی که نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد و مطالبات که به منزله نقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله را که بر حسب وظیفه سپرده به آن‌ها است اختلاس یا هر تصرف غیرقانونی نماید به علاوه رد مال و تأدیه غرامتی معادل ضعف مال محکوم به انفصال از خدمت دولت از یک تا ده سال خواهند گردید.

اموال دولتی به تصویب رسید که ماده ۲۲ مربوط به اختلاس بود. سپس در سال ۱۳۰۸ ماده واحده متمم قانون جزای عمومی دولت به تصویب رسید و وظیفه مذکور در ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ را تعریف نمود. در سال ۱۳۰۷ قانون محاکمات نظامی به تصویب رسید که ماده ۳۲۷۱ ناظر به جرم اختلاس بوده. این قانون در سال ۱۳۱۸ با تصویب قانون دادرسی و کیفر ارتش نسخ گردید. ماده ۴۴۰ قانون اخیر در مورد اختلاس بود. در سال ۱۳۵۲ قانون مجازات عمومی اصلاح شد و برای اولین بار جرم اختلاس از تصرف غیرقانونی تفکیک شد. ماده ۱۵۲ قانون مجازات عمومی در مورد اختلاس بود. اولین قانونی که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به تصویب رسید قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ بود که ماده ۵۷۵ آن مربوط به جرم اختلاس بود. دومین قانون در مورد اختلاس، قانون تشدید مجازات

۲- ماده ۲- اشخاصی که پس از تصویب این قانون مرتکب جرم های مندرجه در مواد سه گانه ۱۵۲، ۱۵۳ و ۱۵۷ شوند علاوه بر مجازات های مذکوره در مواد فوق‌الذکر محکوم به مجازات ذیل خواهند شد: هر گاه میزان اختلاس و انتفاع کمتر از پانصد تومان باشد حبس تأدیبی از شش ماه تا دو سال. هر گاه میزان بیش از پانصد تومان باشد حبس مجرد از دو تا ده سال.

۳- ماده ۲۷۱- هر مدیر یا محاسب، صندوقدار یا تحویلدار نظامی که در نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد مطالبات که به منزله نقدینه است یا اوراق یا حوالجات یا اسناد یا اشیاء منقوله که بر حسب وظیفه سپرده به او است اختلاس یا تصرفات غیرمجاز نماید علاوه بر ردعین یا قیمت آن ها محکوم به حبس موقت با اعمال شاقه است. چنانچه اشیاء مزبوره مبلغاً یا قیمتاً کمتر از هزار تومان باشد مرتکب به حبس مجرد محکوم می‌شود. چنانچه جرم های مذکوره در این ماده در موقع اردو کشی یا عملیات نظامی ارتکاب شده باشد مرتکب محکوم به حبس مؤبد با اعمال شاقه است. هر گاه در نتیجه جرم لطمه غیرقابل جبرانی به عملیات قشون وارد آید یا نقدینه یا اسناد یا حوالجات مزبوره را بر علیه مصالح دولت برای کمک با یاغیان و متمردين به مصرف رساند مرتکب محکوم به اعدام است.

۴- ماده ۴۰۰- هر مدیر یا محاسب و صندوقدار یا تحویلدار که از نقدینه متعلق به دولت یا اشخاص یا اسناد مطالبات که به منزله نقدینه است یا برگ ها یا حوالجات یا اسناد یا سایر اجناس و اشیاء منقوله که بر حسب وظیفه سپرده به او است اختلاس یا تصرفات غیرمجاز نماید با رعایت مقررات مواد ۵۳ و ۵۴ این قانون علاوه بر رد عین یا بهای آن به حبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم می‌شود و چنانچه جوه یا اشیاء مذکور از حیث مبلغ یا بهاء از پنج هزار ریال تجاوز نماید کیفر مرتکب علاوه بر رد مال مورد اختلاس حبس عادی از شش ماه تا سه سال است. در صورتی که بزه‌های مذکور در این ماده در موقع اردو کشی یا عملیات نظامی ارتکاب شده باشد مرتکب به حبس با کار از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد ولی هر گاه در نتیجه وقوع بزه لطمه غیرقابل جبرانی به عملیات ارتش وارد آید یا مرتکب نقدینه یا اسناد یا حوالجات مذکور را بر علیه مصالح دولت به مصرف رساند محکوم به اعدام است.

۵- ماده ۷۵- هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان ها و مؤسسات و شرکت های دولتی و یا وابسته به دولت و یا مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیررسمی و دیوان محاسبات عمومی و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره

مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ بود. ماده ۶۵ این قانون در مورد اختلاس است. در این قانون قسمت عمده‌ای از اشکالات قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ برطرف شد. میزان اختلاس در مجازات مؤثر بود و مجازات انفصال دوباره به سایر مجازات‌های اختلاس اضافه شد. همچنین بحث شروع به جرم که در قانون تعزیرات مغفول مانده بود دوباره جرم انگاری شد و اتلاف عمدی اموال دولتی در حکم اختلاس اعلام شد. به اضافه برخی از عوامل تشدید مجازات مثل جعل، ارتکاب اختلاس با تشکیل یا رهبری شبکه یا باند، رتبه سازمانی از ابداعات قانون مزبور است. مضافاً این که قرار تأمین کیفری با شرایطی در تبصره ۷۵ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ پیش‌بینی شده است. همچنین مقررات خاصی در مورد محدودیت تخفیف و تبدیل مجازات مقرر شد. در سال ۱۳۷۱ قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح به تصویب رسید. البته این قانون در سال ۱۳۸۲ و با تصویب قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲ صراحتاً ملغی شد. ماده ۱۱۹^۸ قانون اخیر در مورد اختلاس نظامیان بود. در حال حاضر عنصر قانونی جرم اختلاس و

می‌شوند و دارندگان پایه‌های قضایی، وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر یا اشخاصی که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب کرده به عنوان مختلس علاوه بر مجازات مقرر اداری و رد وجه یا مال مورد اختلاس به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم می‌شود.

۶- ماده ۵- هر یک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمان‌ها یا شوراها و یا شهرداری‌ها و مؤسسات و شرکت‌های دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضائی و به طور کلی قوای سه‌گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی از رسمی یا غیررسمی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهام و اسناد و اوراق بهادار و یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات فوق‌الذکر و یا اشخاص را که بر حسب وظیفه به آن‌ها سپرده شده است به نفع خود یا دیگری برداشت و تصاحب نماید مختلس محسوب و به ترتیب زیر مجازات خواهد شد.

۷- تبصره ۵- هر گاه میزان اختلاس زائد بر صد هزار ریال باشد، در صورت وجود دلایل کافی، صدور قرار بازداشت موقت به مدت یک ماه الزامی است و این قرار در هیچ یک از مراحل رسیدگی قابل تبدیل نخواهد بود. همچنین وزیر دستگاه می‌تواند پس از پایان مدت بازداشت موقت، کارمند را تا پایان رسیدگی و تعیین تکلیف نهائی وی از خدمت تعلیق کند. به ایام تعلیق مذکور در هیچ حالت هیچ‌گونه حقوق و مزایائی تعلق نخواهد گرفت.

۸- ماده ۱۱۹- هر نظامی وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا اسناد و اشیاء و لوازم و یا سایر اموال را که بر حسب وظیفه به او سپرده شده به نفع خود یا دیگری برداشت یا تصاحب نماید مختلس محسوب و علاوه بر رد وجه یا مال مورد اختلاس حسب مورد به مجازات زیر محکوم می‌شود: الف- هر گاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس تا یک میلیون ریال باشد به حبس

شروع به آن، مواد ۵ و ۹۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ می‌باشد. علیرغم تصویب کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با عنایت به جامعیت قانون تشدید درباره اختلاس، ماده ۵ این قانون همچنان به عنوان عنصر قانونی جرم اختلاس به قوت خود باقی است.

در حقوق انگلستان نیز اولین قانونی که در سال ۱۵۲۹ در زمان حکومت هنری چهارم مقرر بوده است. تا سال ۱۹۶۸ قوانین مصوب در زمینه اختلاس از اصلاحات و الحاقات زیادی برخوردار گردیده و از جرگه یک سرقت ساده به سه شکل مختلف در مواد ۱۷، ۱۸ و ۱۹ قانون لارسنی مصوب ۱۹۱۶ میلادی دیده شده است. اوج این تحول زمانی است که در سال ۱۹۶۸ با تصویب قانون سرقت، جرم اختلاس از ردیف جرم انگاران انگلیسی حذف و در قالب سرقت گنجانده شد. در اسناد بین‌المللی، تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی و اقتصادی، که در شهر میریدی مکزیک به امضای دولت‌های عضو رسیده و به آن کنوانسیون میریدا گفته می‌شود و همچنین سازمان کشورهای آمریکایی با تدوین کنوانسیون کشورهای آمریکایی بر ضدفساد در ۲۹ مارس ۱۹۹۶ در هماهنگ ساختن سیاست کیفری بر ضدفساد پیشگام سایر کشورهای جهان که از ۶ مارس ۱۹۹۷ قابل اجرا شده و پروتکل آفریقایی ضدفساد، به پیشگیری و کنترل فساد در بخش عمومی اختصاص دارد.

۲- آثار جرم اختلاس در حقوق ایران

یکی از جرایم مهمی که در گروه جرایم علیه اموال و مالکیت مورد بحث قرار می‌گیرد، جرم اختلاس است که به عنوان یکی از صور خاص خیانت در امانت مطرح می‌گردد. به تعبیر دیگر،

از یک تا پنج سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و تنزیل یک درجه یا رتبه. ب- هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال باشد به حبس از دو تا ده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و تنزیل دو درجه یا رتبه. ج- هرگاه میزان اختلاس از حیث وجه یا بهاء مال مورد اختلاس بیش از ده میلیون ریال باشد به حبس از سه تا پانزده سال و جزای نقدی معادل دو برابر وجه یا بهاء مال مورد اختلاس و اخراج از نیروهای مسلح.

۹- ماده ۶- مجازات شروع به اختلاس حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌شود. مستخدمان دولتی علاوه بر مجازات مذکور چنانچه در مرتبه مدیرکل یا بالاتر و یا هم‌تراز آن‌ها باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی و در صورتی که در مراتب پایین‌تر باشند به شش ماه تا سه سال انفصال موقت از خدمات دولتی محکوم می‌شوند.

خیانت مأمورین و مستخدمین دولتی نسبت به اموالی که به مناسبت وظیفه به آن‌ها سپرده شده تحت عنوان اختلاس مورد بحث واقع می‌شود. جرم اختلاس دارای دو جنبه جرم بوده، از یک سو جرمی علیه اموال و مالکیت و از سوی دیگر جرمی علیه امنیت و آسایش عمومی است که جنبه اخیر در تشدید مجازات آن تأثیر به‌سزایی دارد. حقوقدانان تعاریف مختلفی را برای اختلاس ذکر کرده‌اند از جمله: برداشتن مال غیر از راه حيله و نیرنگ. تصاحب همراه با سوءنیت اموال دولت یا اشخاص توسط مستخدم دولت به نفع خود یا دیگری که به حکم وظیفه در اختیار وی قرار داشته است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲، ۲۰۲ و ۲۰۳). خیانت مأمور دولت در اموالی که برحسب وظیفه به او سپرده شده است (شامیانی، ۱۳۸۴، ۱۳۳). اختلاس به نوع خاص از جرم خیانت در امانت مأمورین دولت اطلاق می‌شود و آن عبارت است از این که مأموری که برحسب وظیفه قانونی مال دولت به او سپرده شده آن را به طریق نامشروع تصاحب نماید (ولیدی، ۱۳۷۷، ۳۱۲). اختلاس گرفتن عمدی و تبدیل کردن پول یا مال دیگران که به طور قانونی در اختیار فرد قرار گرفته بوده، به مال شخصی، سوءاستفاده از سمت یا امانت، وضعیت قانونی مزبور ممکن است ناشی از سمت رسمی، مقام عمومی، استخدام یا امانت باشد (آقایی، ۱۳۷۸، ۴۸۱). اختلاس در حقوق جزا عبارت است از این که با استفاده از غفلت و عدم توجه کسی در فرصتی مناسب، چیزی را بردارند. فقه آن را مصداق خیانت می‌داند و مستقل از سرقت است (رمضانی، ۱۳۸۳، ۴۳). به عبارت دیگر اختلاس عبارت است از اقدام مستخدم دولت یا شخص در حکم مستخدم دولت به برداشت و تصاحب مالی که به سبب شغل و وظیفه تحت تصرف و اختیار او قرار داده شده است. اختلاس در معاملات دولتی عبارت است از این که هر شخصی عهده دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن با امر به ساختن آن برای هر یک از ادارات و سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ بوده است؛ به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله با تقلب در ساختن آن چیز، نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند. علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم می‌شود (اباذری فومشی، ۱۳۹۲، ۴۱۱).

در حقوق ایران یکی از عناصر رکن مادی جرم اختلاس، مال موضوع اختلاس می‌باشد که شامل وجوه یا مطالبات یا حواله‌ها یا سهم و اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمان‌ها، مؤسسات و یا اشخاص را که برحسب وظیفه به کارمند دولت سپرده شده است می‌باشد. به بیان دیگر متعلق جرم اختلاس، حقی است که از سوی مرتکب مورد تعدی و تجاوز قرار می‌گیرد. برای مثال در جرایم علیه اموال متعلق جرم «حق مالکیت» و در جرایم علیه تمامیت جسمانی، متعلق جرم

«حق حیات و سلامتی» است. در اختلاس همانند اغلب جرایم رفتار مجرمانه مرتکب جرم باید به صورت فعل مثبت باشد و ترک فعل نمی تواند عنصر مادی اختلاس را تشکیل دهد. عمل مرتکب به صورت تصاحب مال یا اشیاء و کالای معین است. بنابراین عملی که مرتکب باید انجام دهد تا مشمول عنوان بزه اختلاس قرار گیرد عبارت از برداشت و تصاحب است که جزء افعال مادی می باشد و مقصود این است که مرتکب اموال را بدون وجود هیچ یک از اسباب قانونی تملک برداشت و تصاحب نماید. منظور از تصاحب، برخورد مالکانه کردن با مال است، یعنی این که کسی مال دیگری را از آن خود انگاشته و با آن طوری برخورد کند که معمولاً حق چنان برخوردی را با مال ندارد. مثل این که مال را به فروش رسانیده یا به امانت بگذارد یا از استرداد آن خودداری کند و رفتارهایی از این قبیل با آن انجام دهد. بنابراین چنین رفتاری ابتدا از اراده درونی و ذهنی شروع می شود و بایستی با یکسری اعمال خارجی همراه شده باشد تا بتواند مبین سوءنیت مرتکب باشد. تصاحب وقتی مصداق خارجی پیدا می کند که همراه با اعمال خارجی باشد؛ یعنی نمود و اثری در عالم خارج به همراه داشته باشد والا بدون اقتران با اعمال و آثار خارجی، تحقق پیدا نخواهد کرد. از نظر رویه قضائی صرف عدم استرداد، تصاحب تلقی نمی شود، بلکه یک فعل مثبت مادی است که بعضاً عدم استرداد نتیجه آن است. به عبارت دیگر می توان چنین گفت تصاحب، ارتکاب هر رفتاری است که نشان می دهد مرتکب تصرفی که در مال غیر داشته به تصرف از جانب و به حساب خود تبدیل کرده است. این تغییر نوع برخورد با مال، اشکال و صورهای متنوعی می تواند داشته باشد. مثل عرضه مال برای فروش، فروختن، هبه کردن، ایجاد تغییر و دگرگونی در مال، انکار دریافت و تحویل مال، کتمان و مخفی نگه داشتن مال، واریز وجه به حساب خود یا دیگری و رفتارهایی از این قبیل است (منصورآبادی، ۱۳۸۰، ۲۵).

نتیجه اختلاس محرومیت مالک از مال و زیانی است که به مالک وارد می آید؛ هرچند که در نتیجه استرداد یا پرداخت خسارت، جبران شود، اعم از آن که مرتکب یا دیگری منتفع شده باشد یا نه. بنابراین، جرم اختلاس، جرمی است مقید و از این حیث تحقق آن نیاز به نتیجه دارد و نتیجه در این جرم، ضرر و زیانی است که به مالک و صاحب مال که اصولاً دولت یا موسسات عمومی هستند وارد می شود. به عبارت دیگر، محرومیت دولت یا موسسات عمومی از اموالی که در اختیار کارمند و مستخدم خویش قرار داده اند نتیجه ای است که بر اختلاس مترتب می شود و لذا مادام که این نتیجه تحقق پیدا نکرده اختلاس به وقوع نخواهد پیوست (مهربانی، ۱۳۹۴، ۸۹). بر همین اساس نیز ضرورت دارد که بین رفتار ارتكابی شخص و نتیجه حاصل رابطه سببیت وجود داشته باشد. در صورت فقدان این رابطه نمی توان فرد را به عنوان مختلس مورد تعقیب قرارداد. برای مثال، اگر کارمندی، مالی را در

کیف خود قرار دهد تا آن را از اداره خارج سازد، ولی در همین هنگام فرد دیگری موقعیت را مغتنم شمرده، کیف را بر باید یا این که کیف از مکان بلندی فرو افتاده، کالای موجود در آن از بین برود، محرومیت مالک از مالش محقق گردیده، ولی بین این نتیجه و رفتاری که از کارمند سر زده است رابطه سببیت وجود ندارد. بر این اساس، هر چند ممکن است فرد را از لحاظ مدنی مسئول بدانیم، ولی از نظر کیفری نمی‌توان او را مختلس محسوب داشت. اما در تصرف غیرقانونی، وضع بدین صورت نیست؛ زیرا در آن جا رفتار مرتکب اعم از آن است که موجب ورود ضرر شده یا نشده باشد یا حتی ممکن است نه فقط ضرری برای دولت به همراه نداشته، برعکس، منفعتی هم در پی داشته باشد؛ لکن در هر حال کارمند به عنوان تصرف غیرقانونی قابل تعقیب جزایی خواهد بود. برای مثال، چنانچه کارمندی بودجه ای را در غیر محل خود هزینه کند ولو این کار به نفع دولت باشد، از آن جا که برخلاف دستور صریح ماده ۵۹۸ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ صورت گرفته، کارمند مرتکب تصرف غیرقانونی شده است. برای تحقق اختلاس لازم است که ضرر فعلی برای دولت یا دیگری در پی داشته باشد، زیرا قانون پیدایش نتیجه مجرمانه خاصی را برای اختلاس پیش بینی کرده است. بنابراین با استرداد مال موضوع اختلاس، جرم منتفی نخواهد شد حتی اگر مرتکب راساً اقدام به استرداد آن کرده باشد. خلاصه آن که اختلاس رفتاری ضد آسایش عمومی بوده و اعتماد مردم به نهادهای دولتی یا عمومی را مخدوش می‌سازد. جرم انگاری این رفتار بر پایه حفظ اعتماد همگانی به امانت داری کارکنان دولت و موسسات عمومی می‌باشد. چنانچه کارکنان یاد شده با سوءاستفاده از موقعیت خود و آگاهانه مرتکب خیانت در اموالی شوند که در جهت ایفای وظایف قانونی به آنان سپرده شده است، مختلس شمرده شده و واکنش شدید قوه حاکمه را ضروری می‌نماید. از این رو سیاست قانونگذار ایران مبتنی بر تشدید مجازات اختلاس بوده و جلوه آن را می‌توان در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ ملاحظه نمود.

۳- آثار جرم اختلاس در حقوق انگلستان

از نظر تاریخی، اولین قانونی که در خصوص جرم اختلاس در قوانین انگلستان وضع شد، مربوط به سال ۱۵۲۹ میلادی در زمان حکومت هنری چهارم می‌باشد. در قانون مذکور مقرر شده بود که اگر خدمتکاران و یا خادمین شاه اموالی را که به آن‌ها تحویل داده شده مانند کلاه خود، جواهرات و پول در صورتی که به خود اختصاص می‌دادند یا منتقل می‌نمودند، عمل آن‌ها یک نوع جنایت محسوب می‌گردید. در حدود دویست سال بعد در حدود سال ۱۷۹۹ میلادی قانون دیگری با رویکرد جدید حسب تغییرات به وجود آمده در عرصه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی آن زمان و با عنایت به گشودن

شدن فعالیت‌های اداری و ضرورت وجود قانون جامع‌تر که بتواند با توجه به پیچیدگی روابط بین دولت و مردم تعامل لازم برقرار نماید در این خصوص تصویب شد. بنا به قانون مذکور «اگر یک کارمند دفتری یا دبیر و یا کارمند دولت و یا هر شخصی که به عنوان دبیر یا کارمند استخدام شده است آن اموال را برای خود یا به نام یا به حساب کارفرما چیزی را دریافت کند یا به مالکیت خویش درآورد عمل او اختلاس محسوب می‌گردد.» (کریمی، ۱۳۹۵، ۸۲). اولین قانونی که به صورت منجمم و جامع در خصوص جرم اختلاس در حقوق انگلستان مشاده می‌شود قانون لارسنی سال ۱۹۱۶ میلادی می‌باشد. قبل از بیان قانون مذکور ذکر این نکته ضروری است که تا سال ۱۹۶۸ میلادی جرم اختلاس به عنوان شکلی از جرم سرقت شناخته می‌شد، قبل از آن نیز تحت حاکمیت قانون لارسنی که خود نوعی از سرقت است محسوب شده و احکام صادره بر مبنای این قانون انشاء می‌گردید. لازم به ذکر است اختلاس زمانی ارتکاب می‌یابد که شخصی به طور قانونی متصرف پول یا مال دیگری است و سپس آن را به خود منتقل می‌کند. به عبارت دیگر مال مورد اختلاس باید در بدو امر به افرادی که به گونه‌ای امین محسوب می‌گردند مانند کارمندان، سپرده شده و تحت تصرف آنان قرار گیرد و متعاقباً این افراد آن را به نفع یا به مالکیت خود تغییر می‌دهند. تفاوت اصلی بین اختلاس و لارسنی این است که در اختلاس اموال در تصرف مختلس بوده، در عوض در لارسنی، مال در تصرف شخص مالک است. از سوی دیگر در جرم لارسنی مال به طور مشروع و قانونی در تصرف مرتکب قرار نداشته و وی با تجاوز و تعدی مال را از تصرف مالک خارج می‌نماید.

در قانون لارسنی مصوب ۱۹۱۶ میلادی دارای سه تقسیم‌بندی جدید با توجه به مرتکبین عمل مجرمانه، نوع کارفرما و بالاخره اموال سپرده می‌باشد که عبارتند از: ماده ۱۷: سرقت و اختلاس توسط کارمندان یا کارکنان- هر شخصی که ۱- به نام یک کارگر یا یک کارمند یا فردی که در سمت کارگر یا کارمند استخدام می‌شود: الف- هر نوع اموال، پول یا اوراق بهادار (سهام قرضه) را سرقت نماید که در مالکیت یا اراده رئیس یا کارفرمایش می‌باشد. ب- با جعل کردن تمام یا هر قسمتی از هر نوع اموال، پول یا اوراق بهادار را اختلاس کند که تحویل او داده شده یا توسط او دریافت و تحت مالکیت او قرار گرفته به نام خود یا به اعتبار رئیس یا کارفرمایش. ۲- با استخدام شدن در یک حرفه خدماتی به نام اعلی حضرت یا در نیروی پلیس در هر مکان به هر حال الف- هر نوع اموال، پول یا اوراق بهادار را سرقت نماید که به حکومت پادشاهی متعلق باشد یا به او محول شده باشد یا توسط چنین شخصی به دلیل استخدامش، دریافت شده یا تحت مالکیت درآمده، یا ب- اختلاس کند یا به هر طریقی با جعل کردن به کار ببرد یا در اختیار بگیرد، با هر هدفی مگر خدمات عمومی، هر نوع اموال، پول یا اوراق

بهادار را که به او محول شده باشد یا به توسط او به علت استخدامش، دریافت شده یا تحت مالکیت درآمده باشد. ۳- با منصوب شدن در هر اداره یا حرفه خدماتی یا زیر نظر یک هیأت مدیره اداره کشتیرانی محلی الف- با جعل کردن، هر نوع اموال، پول یا اوراق بهادار را به کار گیرد یا در اختیار خودش قرار دهد، اموالی که به توسط او در زمان استخدام در چنین دفتر یا حرفه خدماتی دریافت شده باشد به اعتبار هر هیأت مدیره اداره کشتیرانی محلی یا به اعتبار دیگر هیأت مدیره‌های عمومی یا سازمان، برای استفاده شخصی خود یا هر استفاده یا هدفی به غیر از هدفی که برای آن حقوق دریافت می‌کند، آن امر به او محول می‌شود یا خودش آن را دریافت می‌کند. ب- با جعل کردن امتناع کند، در اختیار بگیرد یا نزد خود نگه دارد همان یا هر بخشی از آن را برخلاف هر دستورالعمل یا ساختار قانونی که او ملزم به اطاعت از آن در رابطه با اداره یا حرفه خدماتی خود می‌باشد. در صورت مجرم بودن با محکومیتی مشمول حبس با اعمال شاقه برای هر دوره زمانی که از چهارده سال تجاوز نمی‌کند، روبرو می‌شود و در مورد یک کارمند یا کارگر یا شخصی که به سمت کارمند یا کارگر استخدام می‌شود، اگر مذکر و زیر شانزده سال باشد، یک مرتبه به صورت خصوصی در خفا تازیانه می‌خورد، علاوه بر هر تنبیه دیگری که ممکن است قانون برای او در نظر بگیرد. ماده ۱۸: اختلاس توسط متصدی دفتر پستی- هر شخصی که در سمت متصدی دفتر پستی، یک پاکت پستی را از راه انتقال پستی سرقت نماید یا مورد اختلاس قرار دهد، گناهکار است و مشول محومیت زیر می‌شود: الف- اگر پاکت پستی محتوی اموال، پول یا اوراق بهادار باشد، حبس با اعمال شاقه مادام‌العمر. ب- در تمام موارد دیگر حبس با اعمال شاقه برای هر دوره زمانی که از هفت سال تجاوز نمی‌کند. ماده ۱۹: اختلاس و غیره توسط متصدیان بانک انگلستان یا ایرلند. هر فردی که در سمت متصدی یا کارمند بانک انگلستان یا بانک ایرلند، هر نوع اوراق قرضه، قبالة، سفته، حواله بانکی، ضمانت نامه سود سهام، ضمانت نامه مستمری سالیانه، سهم بهره یا پول، اوراق بهادار، پول یا دیگر مفاهیم را پنهان کند، اختلاس نماید یا به همراه آن‌ها بگریزد، مواردی که متعلق به بانک انگلستان یا بانک ایرلند باشد و به او محول شده باشد یا به واسطه بانک انگلستان یا بانک ایرلند به صورت امانت نزد او سپرده شده باشد، برای چنین متصدی یا کارمندی، در صورت گناهکار بودن، محکومیت شامل حبس با اعمال شاقه مادام‌العمر می‌باشد.

تا سال ۱۹۶۸ میلادی قوانین مربوط به جرایم علیه اموال در کامن لو، شدیداً پیچیده بود. در این خصوص کمیته بازنگری در قانون جزا وارد این حوزه شد تا نسبت به تنظیم مجموعه‌ای منظم اقدام نماید که نتیجه آن قانون سرقت سال ۱۹۶۸ میلادی بود. از آن جا که این قانون تنها جرایم اصلی مربوط به اموال را در برمی‌گیرد یک مجموعه قوانین کوچک توصیف شده است. ماده یک قانون سرقت

مصوب سال ۱۹۶۸ مقرر می‌دارد: ۱- شخص سارق است، اگر مال متعلق به غیر را با سوءنیت به قصد محروم کردن دائمی او از آن تصاحب کند. ۲- مهم نیست که آیا تصاحب مال اکتساب شده برای استفاده شخص سارق انجام می‌شود. در حقوق کیفری انگلستان، خصوصاً در قانون لارسنی مصوب ۱۹۱۶ میلادی مواد ۱۷، ۱۸ و ۱۹ و همچنین در قانون مصوب ۱۹۶۸ میلادی یکی از موضوعاتی که تأکید زیادی از سوی مقنن بر آن شده است تصاحب می‌باشد. در قانون لارسنی مصوب ۱۹۱۶ میلادی در ماده ۱۷ با موضوع لارسنی و اختلاس به وسیله کارمند و دبیر از عبارات سرقت کردن، مستقل نمودن، جادادن و ذخیره کردن استفاده شده است. بنابراین در خصوص جرم اختلاس به شرح ماده ۱۷ قانون لارسنی مصوب ۱۹۱۶ میلادی لازمه تحقق این جرم تصاحب اموال به اشکال فوق‌الذکر می‌باشد.

تصاحب در حقوق انگلستان به معنی تخصیص حقوق مالکانه به خود می‌باشد. بنابراین همانند حقوق ایران هر نوع تصرف غیرقانونی در ملکی که به شخص مالک اختصاص داشته و هیچ کسی بدون اجازه مالک این حق را دارا نمی‌باشد اختلاس محسوب می‌گردد، اگرچه مالک مدنظر قانونگذار ایران و قانونگذار انگلیسی با هم تفاوت دارد. تصاحب مورد نظر این ماده می‌تواند شامل فروش مال، تخریب و از بین بردن آن چه به صورت تدریجی و چه به صورت کامل در یک زمان یا از بین بردن و نابود کردن مال باشد و همچنین در اختیار گرفتن فیزیکی مال توسط مختلس را نیز شامل می‌گردد (کریمی، ۱۳۹۵، ۸۷). در حقوق انگلستان برخلاف حقوق ایران، صرف تصاحب به طریقی که بیان شد برای تحقق جرم اختلاس کفایت می‌کند ولی در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷، برداشتن اموال سپرده شده توسط کارمند نیز ضروری می‌باشد. اما وجه اشتراک این دو نظام حقوقی در این است که در هیچکدام محدوده تصاحب مشخص نگردیده است، به عبارت دیگر مشخص نیست که چه اعمالی تصاحب محسوب می‌گردد و دامنه شمول آن تا کجا است.

بنابر مواد ۱۷ و ۱۸ قانون لارسنی مصوب ۱۹۱۶ میلادی موضوعات جرم اختلاس عبارتند از: الف- اموال به معنای عام و کلی آن که شامل کلیه اموال اعم از منقول و غیرمنقول می‌گردد و مقنن هیچ تفکیکی بین این دو دسته از اموال قائل نشده است. ب- پول و اوراق بهادار و اوراق قرضه. پول در این ماده شامل اسکناس و سکه رایج در سرزمین انگلستان که مورد استفاده قرار گرفته و یا این که از ارزش مادی برخوردار باشد. بر طبق ماده ۱۹ قانون لارسنی مصوب ۱۹۱۶ میلادی اموال موضوع جرم اختلاس عبارتند از: اوراق قرضه، قبالة، سفته، حواله بانکی، ضمانت نامه سود سهام، ضمانت نامه مستمری سالیانه، سهم بهره یا پول، اوراق بهادار و پول. در بررسی تطبیقی بین اموال موضوع جرم در حقوق انگلستان و ایران مشاهده می‌گردد، اگرچه نقاط مشترکی در موضوع جرم از جمله ذکر وجوه،

مطالبات، حواله‌ها، سهام و اموال اعم از منقول و غیرمنقول وجود دارد، لکن قانونگذار ایران در ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ از عبارت کلی تری استفاده نموده است. نکته حائز اهمیت این که پس از اصلاحات قانونی صورت گرفته در سال ۱۹۶۸ میلادی در قسمت جرایم علیه اموال و تصویب قانون سرقت، عنوان مجرمانه اختلاس از قوانین کیفری انگلستان حذف و جرایمی با عناصر تشکیل دهنده این جرم با تمام اشکال آن در مجموعه جرم سرقت در نظر گرفته شدند. در حقوق انگلستان اگرچه جرم اختلاس به عنوان یک جرم خاص مورد جرم انگاری قرار نگرفته، ولی با توجه به این که حتی اگر شخص مرتکب مالی را که در تصرف دارد، بدون این که آن را سرقت نماید و متعاقباً حق مالکانه در آن برای خود فرض نماید، مرتکب سرقت شده است که به نوعی تأکید بر جرم اختلاس می‌باشد. با این وصف تعاریفی که در جرم سرقت در قانون سال ۱۹۶۸ میلادی موجود می‌باشد دقیقاً ذکر اوصافی است که در قانون لارسنی مصوب ۱۹۱۶ میلادی بیان گردیده است.

۴- آثار جرم اختلاس در اسناد بین‌المللی

از آن جا که جرایم مالی و اقتصادی از نظر ماهیت جنبه سازمان یافته و فراملی دارند، این جرایم وارد عرصه بین‌المللی نیز شده‌اند. از این رو مقابله با این جرایم به همکاری و مساعدت کشورهای مختلف با یکدیگر نیاز دارد. به این ترتیب، مبارزه با جرائم اقتصادی به جنبشی جهانی تبدیل شده و یک سیاست حمایتی بین‌المللی را می‌طلبد. تصویب کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی و اقتصادی که در شهر مریدا مکزیک به امضای دولت‌های عضو رسیده است و به آن کنوانسیون مریدا نیز گفته می‌شود پاسخی به این نیاز بوده است. در بیست و پنجمین اجلاس سران کشورها و دولت‌های عضو جامعه اقتصادی غرب آفریقا نیز پروتکل مبارزه با فساد با هدف تقویب مکانیسم‌های مؤثر برای پیشگیری، سرکوب و ریشه‌کن ساختن فساد در هر یک از کشورهای عضو مورد تأیید قرار گرفت. سازمان کشورهای آمریکایی با تدوین کنوانسیون کشورهای آمریکایی بر ضدفساد در بیست و نهم مارس ۱۹۹۶ میلادی در هماهنگی ساختن سیاست کیفری بر ضدفساد پیشگام سایر کشورهای جهان شد. این کنوانسیون که از ششم مارس ۱۹۹۷ میلادی قابل اجرا شده به پیشگیری و کنترل فساد در بخش عمومی اختصاص دارد (موسی زاده، ۱۳۷۷، ۲۰).

متن کنوانسیون مریدا در سی ام سپتامبر ۲۰۰۳ میلادی نهایی گردید و به موجب قطعنامه ۵۸/۴ مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سی و یکم اکتبر همان سال مورد پذیرش قرار گرفت. این کنوانسیون مبین گام‌های رو به جلویی است که از سوی جامعه جهانی برای مبارزه مؤثر با فساد برداشته شده است.

در این کنوانسیون با در نظر گرفتن این امر که پدیده فساد دیگر مختص به یک کشور و قلمرو خاص نیست و بیش از پیش جنبه فراملی به خود گرفته است، مقررات هماهنگ کننده و الزام آوری از طرف سازمان ملل متحد مقرر و به دولت‌های عضو تکلیف شده است. از آن جا که این کنوانسیون از جمله اسناد الزام آور در عرصه بین المللی محسوب می شود، هر دولت با الحاق خود به این سند تعهدات و الزاماتی را نیز می پذیرد و ملزم به اجرای این تعهدات می شود (باقری و همکاران، ۱۳۹۱، ۶). در این کنوانسیون رهیافتی عام ارائه می گردد تا تمامی کشورها با استفاده از آن، مبارزه با فساد را انتظام بخشیده و بتوانند با یکدیگر برای این منظور همکاری های لازم را داشته باشند. در بیان رهیافت های عام، این کنوانسیون به صورت جامع تمامی موضوعات اعم از ماهوی و شکلی را مورد توجه خود قرار داده و موجب رشد و توسعه حقوق بین الملل در حوزه مربوطه شده است. کنوانسیون سازمان ملل متحد در راستای مقابله با فساد مالی و اداری که دامن گیر همه دولت های عضو بوده است به تصویب رسید و در این کنوانسیون تکالیفی در زمینه های قانونگذاری، قضایی و اجرایی بر عهده دولت های عضو این کنوانسیون قرار گرفته است. یکی از تکالیفی که برای مبارزه موثر با فساد مالی و اداری برعهده دولت های عضو قرار گرفته، تصویب قانون برای جرم انگاری اعمالی است که در کنوانسیون، به عنوان جرم تعریف شده است. با الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به این کنوانسیون در سال ۱۳۸۷، مقنن ایران ملزم شده است که به جرم انگاری اعمالی پردازد که در کنوانسیون، جرم انگاری گردیده است ولی در قانون کیفری ایران به عنوان جرم تعریف نشده یا قسمتی از آن جرم انگاری شده است (میرفخرایی، ۱۳۸۴، ۲۳۶). ماده ۱۷ آن تحت عنوان کلی حیف و میل، اختلاس و استفاده غیرمجاز از اموال توسط مقام های دولتی و ماده ۲۲ تحت عنوان اختلاس اموال در بخش خصوصی، شرایطی را مقرر داشته اند. بر اساس ماده ۱۷ این کنوانسیون هر یک از کشورهای عضو تدابیر تقنینی و دیگر تدابیر لازم را برای جرم شناختن ارتکاب عمدی اختلاس، حیف و میل و یا سایر خلافکاری های مالی در اموال، وجوه عمومی و یا خصوصی و یا اوراق بهادار دولتی و یا هرگونه مال دیگری که حسب سمت و وظیفه به مقام دولتی مزبور سپرده شده است توسط آن مقام دولتی به نفع خود و یا شخص و یا نهاد دیگر اتخاذ خواهد کرد. ماده ۲۲ در رابطه با اختلاس اموال در بخش خصوصی مقرر می دارد: هر کشور عضو، اتخاذ قوانین و سایر اقدامات مقتضی را مدنظر قرار خواهد داد یا ارتکاب اختلاس در حین فعالیت های اقتصادی، مالی یا بازرگانی، توسط شخصی که در هر جایگاهی در بخش خصوصی فعالیت می کند یا آن را اداره می کند، از هر مالی، وجوه خصوصی یا اوراق بهادار یا هر چیز با ارزشی که به موجب جایگاه شغلی وی، به او واگذار شده است در صورتی

که به صورت عمدی ارتکاب یافته باشد، به عنوان جرم کیفری تلقی گردد. در این ماده، اختلاس اموال در بخش خصوصی جرم انگاری شده است. در قانون کیفری ایران تنها اختلاس اموال در بخش دولتی جرم انگاری شده و بخش خصوصی را دربر نمی گیرد. بر اساس قانون تشدید مجازات مرتکبین اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری در قوانین ایران، اختلاس، تصاحب خلاف امانت مأمور دولت در اموالی است که برحسب وظیفه به او سپرده شده است. لذا در نظام کیفری ایران، کارمندان بخش خصوصی نمی توانند مرتکب اختلاس شوند که این امر، با توجه به وظایف گسترده و مهمی که بخش خصوصی امروزه متولی آن شده است، چندان قابل دفاع نیست؛ چه بسا اختلاس در بخش خصوصی، جامعه را به مراتب بیش از اختلاس در بخش دولتی متضرر نماید (مهربانی، ۱۳۹۴، ۵۲).

همچنین، در بیست و پنجمین اجلاس سران کشورها و دولت های عضو جامعه اقتصادی غرب آفریقا، پروتکل مبارزه با فساد با هدف تقویت مکانسیم های مؤثر برای پیشگیری، سرکوب و ریشه کن ساختن فساد درهریک از کشورهای عضو مورد تایید قرار گرفت. مشکلاتی که فساد به ویژه فساد ناشی از جرایم سازمان یافته در ناحیه جنوب آفریقا پدید آورده بود، تصویب پروتکلی بر ضدفساد در مجمع توسعه جنوب آفریقا را توجیه می کرد. این پروتکل در اجلاس سران کشورها و دولت های عضو سازمان مذکور که در شهر بلانتیر (پایتخت مولوای) در آگوست ۲۰۰۱ میلادی برگزار شد به امضاء رسید و نخستین سند منطقه ای بر ضدفساد در قاره آفریقا محسوب می گردید. علاوه بر این در بیست و نهم مارس ۱۹۹۶ میلادی سازمان کشورهای آمریکایی با تدوین کنوانسیون کشورهای آمریکایی بر ضدفساد در هماهنگ ساختن سیاست کیفری بر ضدفساد پیشگام سایر کشورهای جهان شد. کنوانسیون آمریکایی علیه فساد توسط بیست و یک کشور آمریکای لاتین منعقد و اندکی بعد در همان سال ایالات متحده آمریکا و کانادا نیز به آن ملحق شدند و در بیستم مارس ۱۹۹۷ میلادی با تودیع اسناد تصویب کشورهای پاراگوئه و بولیوی، این معاهده لازم الاجراء گردید. هدف اصلی این کنوانسیون، تقویت سازکارهای حقوقی کشورهای امضاء کننده به منظور جلوگیری، کشف، مجازات و ریشه کن سازی فساد اداری در سطوح داخلی و بین المللی بود.

نتیجه

توجه دین مبین اسلام به مقوله اقتصاد و تولید باعث گردیده تا حساسیت ویژه ای نسبت به وجود فساد در ساختار جوامع وجود داشته باشد. دولت ها برای اداره جامعه و سازمان بخشیدن به روابط اجتماعی، بخش عظیمی از سرمایه و اموال و اسناد خود را در اختیار کارکنان خود قرار می دهند. بر این اساس، احتمال دارد که کارکنان دولت نسبت به وجوه یا اموال یا اسناد دولت که حسب وظیفه به آنان

سپرده شده مرتکب خیانت شوند و آن‌ها را به نفع خود یا دیگری تصاحب کنند. به منظور جلوگیری از سوءاستفاده کارکنان دولت نسبت به سرمایه و اموال دولت یا اشخاص و تضمین این سرمایه‌ها، قانونگذار در صدد حمایت کیفری از آن‌ها برمی‌آید. این حمایت کیفری، اختلاس نام دارد که از جمله تعدیات کارمندان دولت و یا سایر مأموران به خدمات عمومی است که نسبت به دولت و اشخاص انجام می‌گیرد و رسیدگی آن در صلاحیت دادسرا و دادگاه می‌باشد. قانونگذار در اصل چهل و نهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دولت را موظف می‌کند تا ثروت‌های ناشی از اختلاس را گرفته و حسب مورد به بیت‌المال یا صاحب حق عودت دهد و در مواد ۵ و ۶ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ به جرم اختلاس و مجازات آن اشاره کرده است. موضوع جرم اختلاس شامل اموال غیرمنقول نمی‌شود و مربوط به اموال منقول است. اموال منقول موضوع اختلاس در مرحله نخست شامل کلیه اموال منقول متعلق به دولت و بیت‌المال از قبیل وجوه، مطالبات، حواله، سهام، اسناد و اوراق بهادار متعلق به هر یک از سازمان‌ها و مؤسسات دولتی است و در مرحله بعدی، شامل کلیه اموال متعلق به اشخاص حقیقی است که به کارمندان و مستخدمان دولتی اعم از رسمی و غیررسمی و مأموران به خدمات عمومی و سایر نهادهای انقلابی و شرکت‌های دولتی و مؤسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند، به مناسبت انجام وظیفه سپرده شده است. این جرم به قید انحصار از جانب کارمندان و مأموران به خدمات عمومی قابل تحقق خواهد بود. بنابراین هرگاه اموال دولتی توسط افراد عادی تصاحب و یا برداشت شود به عنوان خیانت در امانت قابل تعقیب خواهد بود. اگر هم اموال دولتی به افراد عادی سپرده نشده باشد، بردن این اموال به عنوان سرقت قابل پیگرد می‌باشد. برای تحقق جرم اختلاس لازم است مرتکب، اموال دولتی یا متعلق به اشخاصی را که به مناسبت وظیفه به او سپرده شده به طور موقت یا دائم با سوءنیت تصاحب یا برداشت نماید. در حقوق انگلستان، اختلاس زمانی ارتکاب می‌یابد که شخصی به طور قانونی متصرف پول یا مال دیگری است و سپس آن را به خود منتقل می‌کند. به عبارت دیگر مال مورد اختلاس باید در بدو امر به افرادی که به گونه‌ای امین محسوب می‌گردند، مانند کارمندان، سپرده شده و تحت تصرف آنان قرار گیرد و متعاقباً این افراد آن را به نفع یا به مالکیت خود تغییر می‌دهند. در حقوق این کشور جرم مستقلی به عنوان اختلاس وجود نداشته و تصاحب مال متعلق به دیگری تحت عنوان جرم سرقت مورد تعقیب قرار می‌گیرد. از سوی دیگر امروزه بزه اختلاس به فراتر از مرزهای ملی گسترش یافته و یکی از اقدامات موثر بین‌المللی برای مقابله با فساد اداری و اقتصادی نیز، تصویب کنوانسیون مریدا (کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد مصوب ۲۰۰۳ سازمان ملل متحد)، کنوانسیون آمریکایی

ضدفساد و پروتکل آفریقایی ض فساد است. رویکرد قانونگذار ایران در مورد جرم اختلاس تنها به سمت تشدید کیفر بوده، بنابراین پیشنهاد می شود برای به حداقل رساندن ارتکاب بزه مذکور، قانونگذار از ابزارهای غیر کیفری و اعمال سیاست پیشگیری از جرم استفاده کند.

منابع

فارسی

- آقایی، بهمن، ۱۳۷۸، **فرهنگ حقوقی بهمن**، تهران، انتشارات گنج دانش.
- ابادزی فومشی، منصور، ۱۳۹۲، **ترمینولوژی حقوق نوین**، تهران، انتشارات شهید داریوش نوراللهی.
- اسماعیلی، حسین، ۱۳۹۵، **اختلاس از منظر فقه امامیه، حقوق ایران و مصر**، پایان نامه کارشناسی ارشد الهیات فقه و حقوق، دانشگاه رازی.
- باقری، آیت؛ رضایی، ارسلان؛ شیمین، مهسا، ۱۳۹۱، بررسی تطبیقی ظرفیت های قانونی جمهوری اسلامی ایران با برخی جرایم مندرج در کنوانسیون مریدا کنوانسیون سازمان ملل برای مبارزه با فساد، **فصلنامه مطالعات بین المللی پلیس**، دوره ۳، شماره ۱۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۹۲، **ترمینولوژی حقوق**، تهران، انتشارات گنج دانش.
- رمضانی، احمد، ۱۳۸۳، **اختلاس: بررسی فقهی-حقوقی**، تهران، سازمان انتشارات فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شامبیاتی، هوشنگ، ۱۳۸۴، **حقوق کیفری اختصاصی (جرایم علیه اموال و مالکیت)**، تهران، انتشارات مجد.
- کریمی، انسیه، ۱۳۹۵، **مطالعه تطبیقی جرم اختلاس در ایران و انگلیس**، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.
- منصورآبادی، عباس، ۱۳۸۰، بررسی تطبیقی خیانت در امانت و اختلاس، **مجله علوم اجتماعی و انسانی**، دوره ۱۷، شماره ۱.
- مهربانی، زکیه، ۱۳۹۴، **بررسی جرم اختلاس در حقوق ایران با نگاهی به اسناد بین المللی**، پایان نامه کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه دامغان.
- موسی زاده، رضا، ۱۳۷۷، **حقوق معاهدات بین المللی**، تهران، انتشارات میزان.
- میرفرخایی، محمدجواد، ۱۳۸۴، کنوانسیون ملل متحد برای مبارزه با فساد مالی، **مجله حقوقی بین المللی**، شماره ۳۲.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین و بادامچی، حسین، ۱۳۸۳، **تاریخ حقوق کیفری بین النهرین**، تهران، انتشارات سمت.

- همدی خطبه سرا، ابوالفضل، ۱۳۸۹، فساد مالی: علل، زمینه‌ها و راهبردهای مبارزه با آن، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- ولیدی، محمد صالح، ۱۳۷۷، حقوق جزای اختصاصی، تهران، نشر خیام.

قوانین

- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴

- قانون مجازات مختلسین اموال دولتی مصوب ۱۳۰۶

- قانون محاکمات نظامی مصوب ۱۳۰۷

- قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸

- قانون مجازات عمومی اصلاحی ۱۳۵۲

- قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲

- قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷

- قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۷۱

- کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵

- قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲

- قانون سرقت انگلستان مصوب ۱۹۶۸

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

legal Civilization

Biannual

No.8/Spring & Summer 2021

Jurisprudential and Criminological Aspects of Betting in Cyberspace

Abolfath KHaleghi, Simin Farrokhi Nia

A Critical Review of the Advisory Opinion of the International Court of Justice on the Legal Consequences of the Separation of the Chagos Archipelago from Mauritius in 1965

Moosa Akefi Ghaziani, Mohammad Akefi Ghaziani

Comparative Legal Analysis of the Collateral in the Light of the Anglo-Iranian Laws

Hossain Rahimi Khojasteh, Marziyeh Fathi Boranji

Comparative Approach to the Effects of Mergers on Commercial Companies

Afshin Mojahed

Explaining the Dimensions of Justice and Ethics from the Perspective of the Principles of the Framework of Islamic International Law

Nourooz Kargari, Sajad Tayebi

The Place of Sexual Crimes in International Criminal Courts

Abbas Por Hashemi, Sahar CHoobin

Covid-19 Pandemic in the Light of Solidarity Rights

Sayyed Behrad Mirfakhraei

Effects and Aspects of Appeal (Research) from the Perspective of Imami Jurisprudence, Iranian Law and French

Sayyed Jafar Hashemi Bajegani, Afshin Mojahed

Foreign Investment in Iranian Subject law and the Obstacles Facing it

Mohammad Reza Burbur

the Condition of the Absolute Guarantee of the Tenant in Keeping the Same Tenant in Imami Jurisprudence and Civil law of Iran

Firooz Ahmadi, Ali Qaed Rahmati

A Warning for the Big Fish: A Review of the Most Significant Roles and Achievements of International Criminal Law in International Legal Order

Mohsen Ghadir, Mousa Karami

A Comparative Study of the Crime of Embezzlement in Iranian and British Law with a Look at International Documents

Mohsen Jafari, Fateme Asadi

Religious Pluralism in Iranian Criminal Code

Abbas Karimi, Abalfazl Salimian

A Comparative Approach to the Scheme of Arrangement in Iranian, British and French Law

Hasan Rahim Zade Meybodi, Afshin Mojahed

Effects of Wife Alimony in Iranian and French Law

Mostafa Afzali Goroh

A Comparative Study of Non-Influence with Relative Invalidity in Iranian and French Law

Abbas Karimi, Gholam Reza Izadpanah

Critique and Evaluation of Personal, Social and Judicial Harms of Criminalization in the Iranian Penal System

Rostam Ali Akbari, Amir Faraj Bakhsh